



امکان فهم جامع آموزه‌های الهی در تمدن ایمانی/ تقلیل‌گرایی؛ نتیجه نبود رویکرد تمدنی به قرآن

اگر نگاه تمدنی به زندگی انسان نداشته باشیم در دام تقلیل‌گرایی و تجزیه‌گرایی خواهیم افتاد، اما اگر مؤمنان را در يك زندگی جمعی ببینیم، بسیاری از مباحث قرآنی برای ما مفهوم خواهد شد و معنای دیگری پیدا خواهد کرد و می‌توانیم آموزه‌های دینی را در وضعیت جامع‌تری بفهمیم.

اگر نگاه تمدنی به زندگی انسان نداشته باشیم در دام تقلیل‌گرایی و تجزیه‌گرایی خواهیم افتاد، اما اگر مؤمنان را در يك زندگی جمعی ببینیم، بسیاری از مباحث قرآنی برای ما مفهوم خواهد شد و معنای دیگری پیدا خواهد کرد و می‌توانیم آموزه‌های دینی را در وضعیت جامع‌تری بفهمیم.

حجت‌الاسلام و المسلمین ذبیح‌الله نعیمیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در باب تمدن‌سازی و تمدن قرآنی پرداخت و با اشاره به دو بعد تمدن که در نظام‌های عینی و نظام‌های علمی و معرفتی تحقق می‌یابد، گفت: اگر بتوانیم نسبتی هماهنگ و سازوار و وضعیتی را در عالم خارج سراغ بگیریم که يك پایه آن به نظام‌های عینی برمی‌گردد و پایه دیگرش به نظام‌های علمی و معرفتی، و در آن اجزاء هر کدام از نظام‌ها با هم تناظر دارند، در این جا می‌توانیم برداشت و انتظاری تمدنی از این وضعیت داشته باشیم. بخش پیشین این گفت‌وگو را اینجا بخوانید!

نعیمیان بر همین اساس برای شناخت ویژگی‌های يك تمدن اسلامی، بازشناسی آموزه‌های قرآن را از يك سو ناظر به عینیت‌های خارجی و از سوی دیگر ناظر به نظام معرفت‌های انسانی ضروری دانست و بیان کرد: اگر ما بتوانیم آموزه‌هایی را که خدای متعال با زبان بسیار ساده آن‌ها را در قرآن مطرح فرموده است با نظم و ترتیب استخراج کنیم و در کنار هم قرار دهیم خواهیم دید که می‌توانیم جهتی کمالی را نسبت به این دو بعد و مجموعه نظام‌ها پیدا کنیم.

وی در تبیین این رویکرد اظهار کرد: برای مثال می‌بینیم که خداوند در قرآن عنایت خاصی به انسان کرده است و در واقع هدف قرآن این است که انسان را هدایت کند؛ چنان که می‌فرماید: «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقواییان است» (بقره/2) بنابراین اگر از يك سو انسان محور هر دو مجموعه نظام‌های عینی و نظام‌های علمی باشد و از سوی دیگر این تحقق و این انسانی که محور بحث خدای متعال است، قرار است به اهدافی برسد، قرار است به هدایت برسد، و در عین حال باید از وضعیت‌های پیشینی فردی به وضعیتی جمعی برسیم. اگر در چارچوب آموزه‌های دینی و تعالیم قرآنی بخواهیم به چنین وضعیتی برسیم باید هم آن وضعیت عینی صبغه تقوا پیدا کند و هم آن وضعیت علمی باید با این تقوای فردی و جمعی هماهنگ باشد.

برای ترسیم سطوح قرب باید از افراد شروع کرد و اگر همه انسان‌ها در مسیر زندگی الهی و ایمانی شرکت نمی‌کنند، دست کم آن زندگی مؤمنانه را برای جمع مؤمنان باید تصویر کنیم و آن‌ها را در زندگی عینی و در بعد معرفتی‌شان تقویت کنیم و از تلائم لازم میان اجزاء مختلف معرفت‌های آن‌ها و عینیت‌های مختلف زندگی برخوردار کنیم. بایستی آموزه‌های قرآن را فراتر از شکل فردی دید.

نعیمیان با اشاره به این مطلب که بایستی آموزه‌های قرآن را فراتر از شکل فردی دید، عنوان کرد: اگر خدای متعال وضعیت روحی انسان را تصویر می‌کند و می‌فرماید: ما هم مسیر نیکی را به انسان نشان دادیم و هم مسیر بدی و شرارت را، این به این معناست که انسان می‌تواند زندگی فردی و بلکه زندگی جمعی خود را در مسیری بیاندازد که این نظام‌های عینی را به آن مسیر ببرد و اگر نظام‌های معرفتی‌ای هم وجود دارد باید در تناسب و تعامل خوبی با آن نظام‌های عینی باشد؛ یعنی در واقع ما می‌توانیم آموزه‌های الهی در قرآن را به صورت فردی نگاه نکنیم و نه تنها به صورت جمعی نگاه کنیم و نگوئیم که مسیر نیکی فقط برای تك تك انسان‌هاست و مسیر بدی که خدای متعال به انسان‌ها معرفی کرده، فقط برای تك تك انسان‌هاست، بلکه انسان‌ها را در يك زندگی جمعی ببینیم.

وی افزود: در سطحی بالاتر يك زندگی جمعی حتی می‌تواند به صورت جریان غیرثابت و خود جریان زندگی دیده شود. حال اگر این مجموعه بتواند وضعیت‌های عینی و زندگی معرفتی خود را به صورت خلاق و پویا در مسیر تکامل قرار بدهد، ما می‌توانیم آن وضعیت تمدنی را يك وضعیت تمدنی مادی تصویر نکنیم، بلکه آن اجزاء تمدن و آن معرفت‌های تمدنی می‌توانند در دو سوی این جریان دیده شوند. این دو جریان یکی به صورت تنازلی و مادی می‌تواند باشد؛ که در عین حال اجزای آن در تناسب با هم هستند، اما ما می‌توانیم این مسیر تمدن و این اجزا و ارکان تمدن را، علاوه بر بعد علمی، یعنی چه بعد علمی و چه بعد عینی تمدن را، از منظر آیات قرآن مورد توجه و تحلیل قرار دهیم و آن را به گونه‌ای تصویر کنیم که زندگی تعالی‌گرایانه جمعی را برای ما به ارمغان بیاورد.

وی در ادامه با تأکید بر ضرورت نگاه تمدنی به زندگی انسان عنوان کرد: يك مسئله بسیار مهم این است که اگر ما نخواهیم نگاه تمدنی به زندگی انسان داشته باشیم در واقع دچار يك مشکل خواهیم شد و در دام تقلیل‌گرایی و تجزیه‌گرایی خواهیم افتاد.

وی در این باره اظهار کرد: مقصود از تقلیل‌گرایی در این جا همان دیدن انسان تنها به صورت فرد است. بر این اساس ما می‌توانیم در حالی که هدف قرآن و هدف تعالیم آن، زنده کردن انسان‌ها و رساندن آن‌ها به حیات واقعی و رشد دادن و قرب الهی است، انسان را به صورت غیرجمعی و به طریق اولی به صورت غیرتمدنی در نظر آوریم و مسیر زندگی او را به صورت فردی تحلیل کنیم و انسان‌ها را جدا از هم ببینیم و در واقع يك نگاه تجزیه‌گرایانه به وضعیت آدمی داشته باشیم، اما اگر نگاهی جمع‌گرایانه داشته باشیم آن جاست که می‌توانیم به راحتی برخی از اشارات قرآنی را دریابیم.

قرآن سخن از سنت‌های الهی در آوردن و بردن اقوام مختلف می‌کند، اگر این اشارات قرآنی را در قالب تمدنی و این که خداوند قصد دارد انسان را در مسیر تعالی هدایت کند، بفهمیم، آن را بهتر دریافته‌ایم. وی گفت: برای مثال در آن جا که قرآن سخن از سنت‌های الهی در آوردن و بردن اقوام مختلف می‌کند، اگر این اشارات قرآنی را در قالب تمدنی و این که خداوند قصد دارد انسان را در مسیر تعالی هدایت کند، بفهمیم، آن را بهتر دریافته‌ایم و می‌توانیم آن را نه صرفاً در قالب يك زندگی جمعی، بدون در نظر گرفتن مسیر تعالی، بلکه در مسیر يك زندگی تمدنی آن را تصویر کنیم و مورد تحلیل قرار دهیم.

وی افزود: در مقابل اگر ما نگاه تقلیل‌گرایانه و تجزیه‌گرایانه را کنار بگذاریم و انسان‌ها و در این جا مؤمنان را در يك زندگی جمعی ببینیم بسیاری از مباحث قرآنی برای ما مفهوم خواهد شد و معنای دیگری پیدا خواهد کرد.

تعالیم قرآنی زندگی انسان‌ها را در چارچوبی کلان تصویر می‌کند

وی در ادامه عنوان کرد: اگر ما دو تمدن مادی و کفرآلود را در مقابل مسیر زندگی مؤمنانه و تمدن‌سازی مؤمنانه قرار بدهیم خواهیم دید که تعالیم قرآنی زندگی انسان‌ها را در چارچوبی کلان، یعنی به صورت جمعی و نه صرفاً فردی و در حد تعالی‌گرایی برخی از افراد، تصویر می‌کند، تا آن‌ها را در مسیر پویانده‌ای قرار دهد. این تعالیم نه فقط با هدف هدایت جمع‌هایی خاص بلکه با هدف هدایت مجموعه انسان‌ها به تکامل و قرب الهی ارائه شده است.

وی افزود: بنابراین اگر قرب الهی به عنوان نهایت و غایت قصوای زندگی انسان تصویر شود، تصویر تمدنی از زندگی انسانی را باید این گونه ترسیم کنیم که غایت تمدن انسانی باید قرب الهی باشد؛ یعنی هم به صورت جمعی، هم به صورت تاریخی و تکاملی این قرب مدارج تکامل را پیدا کند. به عبارت دیگر برای ترسیم سطوح این قرب باید از افراد شروع کرد و اگر همه انسان‌ها در مسیر زندگی الهی و ایمانی شرکت نمی‌کنند، دست کم آن زندگی مؤمنانه را برای جمع مؤمنان باید تصویر کنیم و آن‌ها را در زندگی عینی و در بعد معرفتی‌شان تقویت کنیم و از تلائم لازم میان اجزاء مختلف معرفت‌های آن‌ها و عینیت‌های مختلف زندگی برخوردار کنیم.

وی اضافه کرد: در واقع باید حرکت مؤمنان در جهت قرب الهی را نیز به تدریج در مسیر تکامل بیاندازیم؛ یعنی به حد محدودی از قرب الهی در زندگی فردی اکتفا نکنیم و در واقع قرب الهی را به عرصه فردی تقلیل ندهیم؛ بلکه باید با گام برداشتن در این مسیر تمدنی که در آن جاست که می‌توانیم آموزه‌های دینی را در وضعیت جامع‌تری بفهمیم، به جامعه و تمدن ایمانی که در مدارج بالای قرب قرار دارد دست یابیم.